

نامه‌ی از شهاب‌الدین سهروردی به کمال‌الدین اسمعیل اصفهانی

بقلم آقای دکتر حسین بحر العلومی

کمال‌الدین ابوالفضل^۱ اسماعیل بن ابو محمد عبدالله بن عبدالرزاق اصفهانی از قصیده سرایان معروف و از شاعران بزرگ و آخر قرن ششم و ثلث اول قرن هفتم است که در حدود سال ۵۶۵ هـ ق متولد و در روز دوم جمادی‌الاولی سال ۶۳۵ در اصفهان بدست مغولان شهید شده است.

کمال اسماعیل در طریق تصوف پیرو ابوحنفص شهاب‌الدین عمر سهروردی متوفی بسال ۶۳۲ (برادرزاده^۲ ابو نخبیب عبدالقادر سهروردی) از عرفای نامی قرن هفتم بوده که گروهی از کبار مشایخ قرن هفتم و از جمله شیخ اوحدالدین کرمانی و شیخ سعدی شیرازی و شیخ شمس‌الدین صنی و غیره از شاگردان وی بوده‌اند و سعدی در بوستان^۲ از او چنین یاد کرده است:

مرا شیخ دانای مرشد شهاب
دو اندرز فرمود در روی آب
یکی آنکه در جمع بدبین مباش:
دویم آنکه در نفس خود بین مباش
کمال اسماعیل در قصیده‌ی به مطلع:

دلا بکوش که باقی عمر دریابی
که عمر باقی ازین عمر برگذریابی
که از قصاید عرفانی اوست شهاب‌الدین سهروردی را مدح می‌کند و می‌گوید:
ازین بزرگان امروز در زمانه یکی است
شهاب‌الدین عمر سهروردی آن ره رو
امام و قدوه^۳ اقطاب ثالث العمرین
که از مسالک او دیو بر حذر یابی...
که خاک پایش بر جهت قریابی...

۱- معجم الالقاب ابن الفوطی ج ۱، ص ۱۴۹.

۲- بوستان باب دوم ص ۷۵، کلیات سعدی چاپ بروخیم.

به آبروی چنین خواجه‌ی توسل کن مگر رهایی از آتش سقر یابے
مدد ز همت او خواه در ریاضت نفس چو جنگ دیو کنی یاری از عمر یابے
این قصیده ۷۸ بیت است و در پایان آن گوید :

چو این مساعدت از دولت میسر نیست که بر ملازمت خدمتش ظفر یابے
ز نظم خویش دعایی بدان جناب فرست ز الفت کرمش بهره‌ی مگر یابے
سعادت ابدی بر سرت نثار کنند اگر قبولی از آن صدر نامور یابے
وقصیده دیگری را با مطلع :

ز کار آخرت آن را خبر تواند بود که زنده بر پل مرگش گذر تواند بود
چنین پایان می برد :

و گرتو چاشنی زان بنقد می خواهی دعای قطب زمانه عمر تواند بود
چنانکه از شعار کمال اسماعیل مستفاد می شود وی بخدمت سهروردی نرسیده و مدایح
خویش را به نزد وی میفرستاده است .

نامه سهروردی به کمال اسماعیل : در کتابخانه شهرداری اصفهان جنگی است
که تاج الدین علی وزیر ساکن شیراز در سنه ۷۸۲ آن را ترتیب داده است و نزد چند تن
از دانشمندان بزرگ آن عصر در فارس برده و به تقاضای او هر یک به خط خود چیزی
در آن نوشته اند . چهل و چهار نفر از بزرگان زمان از وزرا و حکما و فقها و شعرا و عرفا
و غیره هر یک چند صحیفه در آن جنگ نوشته اند و این کار بتدریج از صفر ۷۸۲ تا ماه
شوال همان سال انجام شده است . در این جنگ نامه‌ای از شهاب الدین عمر سهروردی
موجود است که به کمال اسماعیل نوشته است و این نامه بخط عماد الدین قزوینی است و ما
آنرا عیناً در اینجا نقل می کنیم .

نسخة كتاب الشيخ المولى المقتدى الافضل الاعلم شهاب الحق

والملة والدين السهروردى قدس الله سره الى

المرحوم السعيد كمال الدين اسمعيل عليه الرحمة

الضعيف يسلم على السيد كمال الدين اسمعيل دامت بركته ويمدده بالدعاء
الصالح وينهى اليه آتته اذا اراد الله بعبد خير الدنيا والآخرة وفقه لتحصيل رضاه .
وتحصيل رضا الله بتزكية النفس وذاك يحصل بالاجتناب عن الرذائل . فمن الرذائل
تلويث الجوارح بالمناهي الشرعية . فتطهيرها عن ذلك بالتوبة النصوح . ويحتاج لتصحيح
التوبة الى دوام الرعاية والحاسبة فان لم تكن الحاسبة مقرونة بانفاسه فليكن عند اداء كل
فريضة من الصلوة فيعتبر ما كان له وعنه من كل فريضتين فان كان من (ظ : في) الفريضتين
محروساً يشكر الله تعالى وان كان مفتتناً بشيء من قول او فعل فليكن تواباً اذا المؤمن مفتتناً
تواباً . ومن رذائل الاخلاق المذمومة من الحقد والحسد والرئاء وللتصنع للخلق . فاذا
تطهر من الرذائل التي سبق ذكرها يرى نور ذلك الى باطنه فيطلع على رذائل باطنه فيجتنب
تلك الرذائل ويستعين بالله تعالى على تبديل الاخلاق وعند ذلك يصير من ارباب
المراقبة ويكون ظاهره في حماية الحاسبة وباطنه في رعاية المراقبة ويطهر وجوده العيني
والذهني . واذا تطهر الوجود ان تكمل عبادته وتكمل صلواته ويصل بذلك الى مقام « لم
اعبر بياً لم اره » ويتصف بعبادته بعبادة الملائكة . ومن هذا حاله يكون الزهد في الدنيا
من جاه ومال شعاره وذراره ويصير من الذين يقال لهم لا تطمع منزلة عند الله وانت تريد
المنزلة عند الناس ويستعلي ذروة الصدق والاخلاص ويصير ممن ينفي (ظ : ينسى) حديث
النفس في صلواته ويتصف قلبه بصفة قلبه فيكون القلب من الخضوع والخشوع في حياة
الصلوة وفي تلاوة القران تكون للقلب ويصير معنى ما يتلوه مكان حديث النفس وذلك
ثمرة تطهير الوجودين العيني والذهني وما يعقلها العالمون .

فليجتهد السيد العالم في تفهيم ما اودعت هذا الكتاب وليطالع مرة بعد اخرى ويبلغ
اخوانه الطالبين والمسترشدين المترددين اليه ، « عسى الله ان يأتي بالفتح او امر من عنده »
وصلتى الله على محمد سيد المرسلين وعلى آله الطيبين الطاهرين وسلم تسليماً كثيراً .